

درسنامه درس هفتم پایه هشتم: آداب نیکان

آداب نیکان



نقل کرده اند که شیخ جنید بغدادی، از عارفان قرن سوم هجری، آورده اند که

از شهر بیرون رفت و میردان از پی او می رفتند. شیخ از احوال بهلول

پرسید. میردان گفتند: «او مرد دیوانه ای است و تو را با او چه کار؟» گفت:

«او را طلب کنید که مرا با او کار است.» او را در صحرائی یافتند و شیخ را پیش

او بردند. شیخ سلام کرد، بهلول جواب سلام او را داد. فرمود: «تویی شیخ بغداد

که مردم را ارشاد می کنی؟» عرض کرد: «آری.» بهلول فرمود: «باری، طعام

خوردن خود را می دانی؟» عرض کرد «اول» بسم الله می گویم، از پیش خود

می خورم. لقمه کوچک برمی دارم.» بهلول برخواست و فرمود: «تو می خواهی

مرشد خلق باشی، در صورتی که هنوز طعام خوردن خود را نمی دانی؟» و به راه خود

رفت. پس میردان شیخ را گفتند: «یا شیخ، این مرد دیوانه است.»

رفت ، رهسپار شد
شیخ در پی او روان شد و گفت: «مرا با او کار است.» چون بهلول به
ویرانه ای رسید، باز نشست. جنید به او رسید. بهلول پرسید: «آیا سخن گفتن خود
را می دانی؟» عرض کرد: «آری، به قدر می گویم و بی موقع و بی حساب نمی گویم.
به اندازه فهم مستمعان می گویم و...» بهلول گفت: «چه جای طعام خوردن که سخن
گفتن هم نمی دانی!» پس برخواست و برفت.

جنید باز به دنبال او رفت تا به او رسید. بهلول گفت: «تو از من چه می خواهی؟
تو که آداب طعام خوردن و سخن گفتن خود را نمی دانی! باری، آداب خوابیدن خود
را می دانی؟» عرض کرد: «آری می دانم»، پس آنچه آداب خوابیدن بود که از
حضرت رسول ﷺ رسیده بود، بیان کرد. بهلول گفت: «فهمیدم که آداب خوابیدن هم
نمی دانی.» خواست برخیزد. جنید دانش بگرفت و گفت: «من نمی دانم، تو از بهر خدا،
مرا بیا موز». بهلول گفت: «تو دعوی دانایی می کردی، اکنون که به نادانی خود معترف
شدی، تو را بیا موزم. بدان که اینها که تو گفتی همه فرع است و اصل در خوردن، آن
شاخه ، غیراصل

نان جایز و شایسته ^{مبالغه از تعداد زیاد اعمال} و اگر حرام را صد از این گونه آداب به جا بیاوری فایده ندارد و ^{انجام دهی} است که لقمه حلال باید و اگر حرام را صد از این گونه آداب به جا بیاوری فایده ندارد و ^{کنایه از گمراهی} سبب تاریکی دل شود. در سخن گفتن نیز باید اول، دل، پاک باشد و نیت درست باشد و آن گفتن برای رضای خدا باشد و گرنه سکوت و خاموشی بهتر و نیکوتر باشد و در آداب ^{خشنودی} خواب، اصل این است که در دل تو بغض و کینه و حسد ^{گرفتگی، گلو دشمنی رشک، حسادت} مسلمانان نباشد و در ذکر حق ^{یادآوری} باشی تا به خواب روی. « جنید دست بهلول را بوسید و او را دعا کرد.

جامع التمثیل، محمد حبله رودی

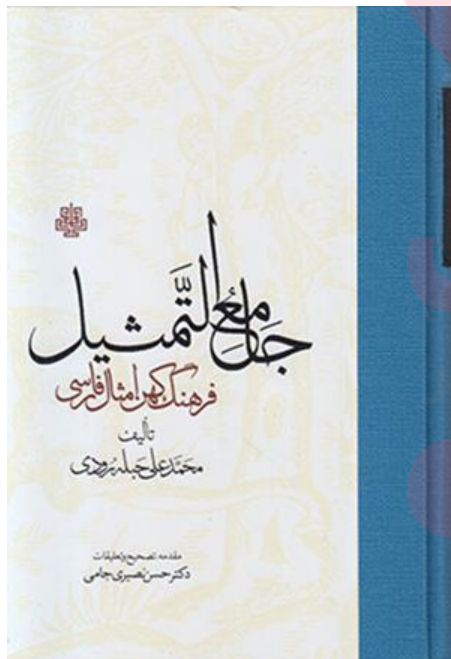
تاریخ ادبیات :

محمد حبله رودی

از نویسندگان بزرگ **قرن یازدهم هجری** است و اثر معروف **((جامع التمثیل))** از اوست.

○ کتاب جامع التمثیل کتابی است درباره ی تمثیل ها و حکایت ها به ویژه حکایت هایی که به صورت امثال در

آمده اند





نتایج، محصولات همواره علم و دانش و دستاوردهای جدید علمی، پیوسته چهره جهان و چگونگی زیست انسان را درگون می‌سازد. بشر به کمک عقل و استعداد خدادادی خویش، تلاش می‌کند تا ابزارهای پدید آورده که رنج زندگی را کم کند و بر آسایش آن بیفزاید.

وسيله محاسبه نامه بر روزگاری چرتکه، چاپار، پیک، پرنده نامه رسان و اسطرلاب در جامعه و محیط زندگی برتری، پیروزی برتری، پیروزی اجتماعی نقش داشته‌اند. امروزه این ابزارها، کارایی ندارند. اکنون عصر چیرگی ماشین و قدرت، پیروزی تکنولوژی کنایه از اصل و اساسی رایانه و به طور کل، روزگار تسلط دستاوردهای علمی و فناوریانه بر تار و پود زندگی بشر است.

انسان، موجودی اجتماعی است و هر جامعه‌ای در سرزمین ویژه‌ای، دین، زبان، رفتارها اخلاق، آداب و هنجارهای فرهنگی و سنت‌های اعتقادی، باورها و ارزش‌های ویژه خاصی دارد. افراد جامعه در برخوردها و داد و ستدها پایبند به آن اعتقادات و هنجارهای اخلاقی و آداب اجتماعی هستند.

www.my-dars.ir

خانواده، کوچک ترین بخش اجتماع است و برای خود، هنجار و حریم و قانون و آدابی ^{محدوده} دارد. اهل هر خانواده، متناسب با آن آداب و معیارهای اخلاقی، تربیت می شوند و احترام ^{قدردانی دانند} و حرمت ^{دیوار، محدوده} یکدیگر و اجتماع را پاس می دارند. هر کس به آسانی نمی تواند حصار خانواده ^{خراب شود} را فروبریزد و وارد فضای پاک و امن آن بشود.

یکی از آسیب های جدی جامعه ماشینی و آراسته به علم و فن، استفاده نابجا و تسبیحده ^{بی مورد غیر منطقی} ابزار، توانایی ^{جمع شده، آماده شده مانند این که} است که فراهم آمده است. کوبی هریک، ابزاری شده اند تا ما را از هویت ^{ماهیت، وجود} اصلی خویش، دور سازند. شکستن شکوه و حرمت انسانی و کم رنگ شدن آداب و ^{کنایه از کم ارزش شدن} اخلاق، رهاورد تمدن ماشینی و علم زده غرب است. ^{سوغات فرهنگ}

رایانه، اینترنت، تلفن همراه و دیگر تولیدات علمی، از مظاهر آفرینش گری انسان، ^{نشانه ها} این بنده ضعیف خداوند است. اینترنت، پنجره ای است رو به جهان بیرون، پنجره ای باز به هر سمت و سو، که ممکن است منظره ای سرسبز و روح انگیز از جلوه جمال پروردگار ^{شادی آور تصویر زیبایی} را نشان دهد یا فضایی طوفان خیز و پرگل و لای را پیش چشم آورد ^{کنایه از آشفته} و بوی ناخوش آن، فضای ذهن شما را فرا بگیرد. ^{فکر}

علم و فن و همه آنچه از رهاورد دانش بشری، پدید می آیند، زمانی مفیدند که در راه خدمت به پیشرفت خلق خدا به کار گرفته شوند و انسان را در مسیر کمال ^{راه تکامل، پیشرفت} و رسیدن به

اخلاق متعالی، ^{برتر} کمک کنند، وگرنه ابزاری برای به پوچی ^{بیهودگی} و نابودی کشاندن بشر به شمار می آیند و سبب غفلت ^{نادانی} و اسارت انسان می شوند.

امروزه که دشمنان این ملت، از راه این ابزارها، جنگ نرم را بی‌سرو صدا ^{بی سرو صدا} آغاز کرده اند تا عوغیابی ^{سرو صدا} بیافرینند، اگر کاربران اینترنت و فناوری جدید به اخلاق علمی ^{خوبی} ها جمع ^{تزیین} فضیلت ^{بوجود آورند} و فضایل انسانی، آراسته ^{مشبه} نشوند و حریم قانون و دین و هنجارهای اخلاقی، فرهنگی و آداب جوانمردی را رعایت نکنند، این ابزارها ^{مشبه} همچون ^{ادوات} بمب ^{مشبه به} ویرانگری خواهند شد ^{وجه شبه}

در هر خانواده؛ بنابراین، اخلاق رایانه‌ای یا فناوریانه، بی‌انگه پایبندی ما به اخلاق فردی و ارزش‌های اجتماعی و رعایت حقوق دیگران است.



فریدون اکبری شلدره متولد روستای شلدره از توابع بخش دودانگه شهرستان ساری در استان مازندران، عضو فرهنگستان زبان و ادب فارسی و ریاست گروه زبان فارسی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی کتاب‌های درسی است. دکتر اکبری شلدره مسئول دفتر تالیف وزارت آموزش و پرورش نیز بوده اند.

خود ارزیابی (صفحه ۵۵ کتاب درسی)

- ۱- سه درس که بهلول به جنید آموخت، چه بود؟ در خوردن اصل آن است که لقمه‌ی حلال باید و اگر حرام را صد از این گونه آداب به جا بیاوری فایده ندارد و سبب تاریکی دل شود. در سخن گفتن نیز باید اول، دل، پاک باشد و نیت درست باشد و آن گفتن برای رضای خدا باشد و گرنه سکوت و خاموشی بهتر و نیکوتر باشد و در آداب خواب، اصل این است که در دل تو بغض و کینه و حسد مسلمان نباشد و در ذکر حق باشی تا به خواب روی.
- ۲- در زندگی امروزی، چه آسیب‌هایی انسان را تهدید می‌کند؟ استفاده از فناوری‌های پیشرفته هر چند که ما را کمک می‌کند، اما اگر از آنها درست استفاده نشود همان قدر که کمک می‌کند ما را تهدید هم می‌کند. استفاده نا به جا و نسنجیده از امکاناتی که فراهم آمده است. شکستن شکوه و حرمت انسانی و کم رنگ شدن آداب و اخلاق، رهاورد تمدن ماشینی و علم زده غرب است.
- ۳- به نظر شما بهترین زمان سخن گفتن و بهترین زمان سکوت و خاموشی، چه هنگامی است؟ زمانی که از شخص سوالی پرسیده شود جواب دهد و هنگامی که دیگران سخن می‌گویند و از او سؤال نشده است، سکوت کند.
- ۴- چرا باید حریم قانون، دین و هنجارهای اخلاقی، فرهنگی و آداب جوانمردی را رعایت کنیم؟ چون رعایت آن به نفع ماست و وظیفه هر شهروند رعایت آنهاست. گذشته از آن اگر ما رعایت نکنیم ممکن است به آتش همان بی حرمتی خود، بسوزیم.



گروه اسمی

دانش زبانی

به جمله‌های زیر، توجه کنید.

■ مرد توانگر، ثروتش را به نیازمندان بخشید.

■ محمّد، خانه جدیدش را ساخت.

■ پسرک، شیرینی را به خواهر کوچکش داد.

اجزای جمله‌های بالا در جدول زیر آمده است.

نهاد	مفعول	نشانه مفعول	نشانه متمم	متمم	فعل
مرد توانگر	ثروتش	را	به	نیازمندان	بخشید.
محمّد	خانه جدیدش	را	-	-	ساخت.
پسرک	شیرینی	را	به	خواهر کوچکش	داد.

آموختیم که یکی از ارکان جمله، گروه اسمی است. گروه اسمی می‌تواند یک واژه یا بیشتر باشد. در جملات بالا برخی از اسم‌ها که در جایگاه نهاد، مفعول و متمم، به کار رفته‌اند، گسترش یافته‌اند. در جمله اول اسم «مرد» با واژه «توانگر» همراه شده است. مهم‌ترین جزء گروه اسمی، «هسته» آن است. هسته گروه، همان اسمی است که واژه‌ها یا بخش‌های دیگر به آن افزوده می‌شوند. در نمونه زیر، هسته، به خوبی نشان داده شده است.

این گل ← این گل ← این گل ← این گل خوشبو ← این گل خوشبوی زیبا

گفت‌وگو (صفحه ۵۶ کتاب درسی)

- ۱- درباره به کارگیری درست تلفن همراه و رایانه، گفت‌وگو کنید.
- از این وسیله به موقع و به جا استفاده کنیم. در استفاده از آنها هنجارهای اجتماعی، اخلاقی، حریم خصوصی و حرمت افراد و قانون را از بین نبریم. استفاده نابه جا و نسنجیده از آنها ضربیه جبران ناپذیری به جامعه و افراد وارد می‌کند.
- ۲- دو متن درس «آداب نیکان» را با هم مقایسه و تفاوت‌ها و شباهت‌های آنها را بیان کنید.
- شباهت‌ها: هر دو نثر هستند، متن هر دو قابل فهم است، هر دو در پی آموزش مفاهیمی هستند.
- تفاوت‌ها: نثر اولی قدیمی‌تر است، نثر دومی امروزی‌تر، کلمات به کار رفته در نثر اول، کلماتی هستند که در زمان‌های قدیم کاربرد داشت و مربوط به مسائل آن روزها بود. اما در نثر دومی کلماتی به کار رفته است که امروزه در اجتماع از آن استفاده می‌شود. ما می‌توانیم نثر اولی را بخوانیم و بفهمیم اما یک انسانی که در آن دوره زندگی می‌کرد ممکن است نثر دومی را بتواند بخواند اما چیزی از آن نفهمد. چون کلمات آن امروزی هستند. در هر دو نثر کلمه‌های زبان بیگانه وجود دارد. در اولی کلمات عربی و در دومی کلمات انگلیسی.

فعالیت‌های نوشتاری (صفحه ۵۷ کتاب درسی)

- ۱- در متن درس، واژه‌هایی را بیابید که در آنها یکی از حروف «ع، غ، ض، ذ» به کار رفته باشد؛ سپس معنای هر یک را بنویسید.
- بغدادی: اهل شهر بغداد - عارفان: خدانشناسان - عرض کردن: گفتن - طعام: غذا - بی‌موقع: بی‌وقت - حضرت: لقبی برای احترام است - معترف شدی: اعتراف کردی - فرع: غیر اصل - رضای خدا: راضی بودن خدا - بغض: کینه، بد خواهی - ذکر: گفتن نام خدا در زیر لب - علمی: منسوب به علم - عقل: منطق، قوه تمییز انسان - استعداد: توانایی - جامعه: مجموعه‌ای که با هم زندگی می‌کنند. - اجتماعی: جمعی - عصر: دوره - اعتقاد: معتقد بودن - معیار: ملاک‌های ارزشیابی - غرب: اروپا - فضا: محل اشغال چیزی - ذهن: خاطر، فکر - متعالی: بلند مرتبه - غفلت: بی‌خبری - غوغا: داد و فریاد - فضایل: ارزش‌ها، خوبی‌ها - دعوی: ادعا کردن - دعا: خواسته
- ۲- در متن زیر، گروه‌های اسمی را بیابید و هسته هر یک را مشخص کنید.
- انسان، موجودی (هسته) اجتماعی (وابسته) است و جامعه، هنجار(هسته) های فرهنگی (وابسته)، سنت (هسته) های اعتقادی (وابسته) و ارزش (هسته) های خاصی (وابسته) دارد.
- ۳- برای خواندن درست و مناسب متن «آداب نیکان» چه لحنی را باید برگزید؟ برای متن اول لحن گفت‌گو بر اساس شخصیت‌های هر گروه که همان لحن داستانی است، مناسب است و برای متن دوم لحن گزارشی مناسب‌تر است.

در برخی از کلمات، نشانه «مد» (~) به کار می‌رود؛ مانند «درآمد، آداب، الآن، قرآن، خوش آواز». این کلمات و مشابه آنها را باید شناخت و به کاربرد نشانه «~» در آنها توجه داشت. به کار نبردن نشانه «مد» در این گونه واژه‌ها، ابهام و اشکال ایجاد می‌کند؛ مانند:

مال اندیش (عاقبت اندیش) = مال اندیش (ثروت دوست)

در دسته‌ای دیگر از کلمه‌ها نیز از گذاشتن نشانه «مد» بر روی آنها باید پرهیز کرد؛ مانند:

فرایند (فرآیند) - پیشامد (پیش‌آمد)
دلارام (دلارام) - همایش (همایش)

خودشناسی



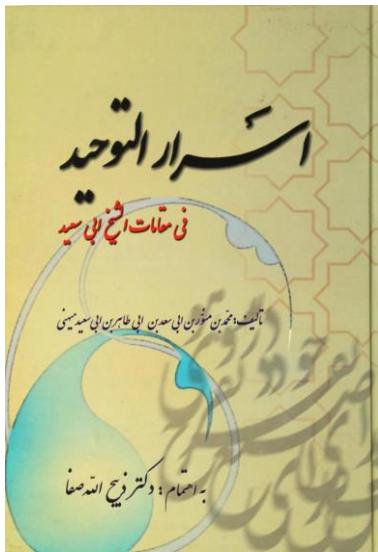
حکایت

بافنده
 وقتی جولاهای به وزارت رسیده بود. هر روز با مداد
 بلند می شد ^{بر می داشت} و کلید برداستی و در خانه باز کردی و تنها در آنجا
 می رفت ^{بیرون می آمد} و ساعتی در آنجا بودی. پس برون آمدی و به نزدیک
امیر رفتی. امیر را خبر دادند که او چه می کند. امیر را خاطر
 به آن شد تا در آن خانه چیست؟ روزی ناگاه از پس وزیر
 وارد شد ^{بافندگان}. کودالی دید در آن خانه چنان که جولاهگان
 را باشد. وزیر را دید پای بدان کودال فرو کرده. امیر او را
 گفت که این چیست؟ وزیر گفت یا امیر، این همه دولت که
 مرا هست، همه از امیر است. ما ابتدای خویش فراموش
 نکرده ایم که ما این بودیم. هر روز زندگی گذشته خود را به یاد
 می آورم، تا خود به غلط نیفتم. امیر انگشتی از انگشت
بیرون کرد و گفت بگیر و در انگشت کن. تا کنون وزیر
 بودی، اکنون امیری!

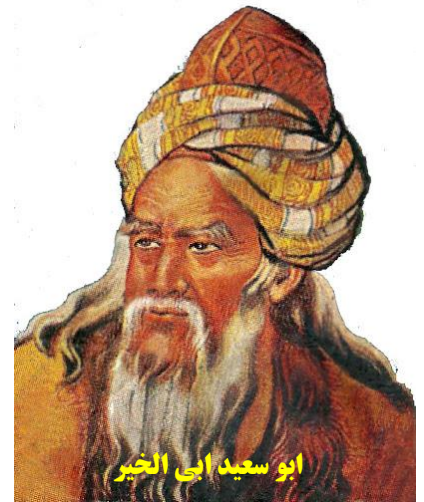


اسرار التوحید، محمد بن منور

اسرار التوحید - قرن ششم



اسرار التوحید یا اسرار التوحید
فی مقامات شیخ ابی سعید ابی
الخیر، کتابی است با موضوع تصوف
که ۱۳۰ سال پس از مرگ ابوسعید
ابی الخیر، در توسط یکی از
نوادگان او به نام محمد بن منور در



خراسان نگاشته شد. تألیف کتاب پس از حمله غزان به میهنه انجام گرفته است و تاریخ آن را در حدود **سال ۵۷۰ هجری قمری** دانسته اند. محمد بن منور کتاب خود را به **سه باب تقسیم کرده است.** **باب اول در ابتدای حالت شیخ، باب دوم که به بیان حالات شیخ ابوسعید در سال های میانی زندگی او اختصاص دارد، بسیاری از گفته ها و اشعاری را که بر زبان وی رفته، گردآوری و نقل کرده است، و باب سوم انتهای حالت شیخ است.** این کتاب انشایی روان و منسجم دارد و در دوره اوج نثر مصنوع شکل گرفته؛ ولی تنها در مقدمه مصنوع است، و به غیر آن در **ردیف نثر مُرسل قرار دارد.**

www.my-dars.ir